

## مقدمه

مشارکت تجار در قدرت سیاسی و حضور فعال آنان در جنبش مشروطیت و مجلس اول، به دلایل متعددی رو به افول گذارد. تجار، پس از فتح تهران، بتدریج قدرت سیاسی و حتی اقتصادی خود را از دست دادند. کاهش حضور آنان در مجلس دوم و سوم، همچنین کاهش قدرت اقتصادی آنان از سال ۱۳۳۷/۱۹۰۹، و تسلط بیشتر بازار جهانی بر تجارت ایران، نمونه‌هایی از آن عوامل بود. با آنکه تجار، همچنان در پی تحقق خواسته‌های خود بودند، ولی سیر حوادث و ناکامی جنبش مشروطیت، امکان پاسخگویی به آن خواسته‌ها را فراهم نکرد؛ جنگ جهانی اول نیز، به بحران‌های موجود جامعه بیش از پیش افزود و رسیدن به خواسته‌های آنان را دست نیافتنی تر کرد. آنان، خواهان نیروی نظامی مسنجمی بودند که قادر به برقراری امنیت باشد. راه‌آهن و راه‌های مناسب، قانون، نظم عمومی و حمایت دولت در مقابل نفوذ قدرتهای خارجی و ایجاد دولتی متمرکز، قوی و سامان یافته - تا بتواند مجری قوانین یکسان و فراگیر باشد - از دیگر خواسته‌های آنان بود.

تجار - که از اصلاحات ناامید شده و قدرت و نفوذ سیاسی خود را در آغاز جنبش از دست داده بودند - از فعالیت سیاسی فاصله گرفته و بیشتر به منافع اقتصادی اندیشیدند. در این پژوهش، به وضعیت و واکنش تجار، در مواجهه با شرایط خاص جنگی خواهیم پرداخت. نهادهای تجاری فعال در این سالها، مشکلات، شکایتها و اعتراضهای تجار و نیز مداخله قدرتهای بیگانه در امور تجاری، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین خواسته‌های پیشین تجار در برپایی مشروطیت یعنی ایجاد امنیت، بهبود راه‌ها، طلب حمایت دولت از تجار و کالاهای داخلی و اجحاف حکام ایالات و سران ایالات و عشایر و نقش جنگ در کاهش یا افزایش سرمایه و مبادلات پولی، مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است برای روشن تر شدن این مسائل، دسترسی به آرشیوها و مکاتبات دولتهای درگیر در جنگ، مورد نیاز می‌باشد. دسترسی نداشتن به این گونه منابع بویژه آنکه، منابع محدود قابل دسترسی در این سالها، بیشتر به مسایل سیاسی دوران جنگ توجه داشته و کمتر به اوضاع اجتماعی و وضعیت اقشار مختلف جامعه پرداخته‌اند. امکان و آگاهی ما را محدود می‌سازد. با این حال، با توجه به منابع موجود و قابل دسترس، سعی می‌شود به تحلیل مسائل مورد نظر بپردازیم.

## الف - طرفهای درگیر در جنگ و مداخله در امور تجاری

بدیهی است، بروز جنگ جهانی، مشکلات و موانعی در امور تجاری به وجود آورد که بخشی از آن، جنبه جهانی داشت و قسمتی دیگر، مربوط به شرایط خاص ایران بود. وضعیت جنگی به طور عام، باروتق تجاری، همساز و همخوانی نداشت و دل نگرانیهایی برای تجار فراهم می‌ساخت؛ چرا که آینده راه، غیر قابل پیش بینی و نامطمئن می‌کرد، و این نگرانی، از مکاتبات تجار، بخوبی آشکار می‌شود. در نامه حاج احمد گله‌دار زاده به معین‌التجار بوشهری، از وخامت وضعیت تجاری در شرایط جنگی و عدم امکان حمل و نقل، که موجب خرابی کالاها و اجناس در انبارها می‌شد، گلایه شده است. وی، آرزوی می‌کند که هر چه زودتر جنگ، خاتمه یابد. (۲)

ممانعتهای قانونی حمل کالا، به دلیل شرایط جنگی و احتمال بروز قحطی، محدودیتهای تجاری را افزایش داد. هیئت دولت، خروج غله، شلتوک و ارزاق را از ایران قذغن کرد و همین امر، خسارتهای بسیاری به تجار ایرانی وارد کرد (۳) و آنان را به اعتراض واداشت. تجار مشهد، در خصوص حمل مال التجاره داخلی و خارجی و تعطیل امور تجاری، شکایت کردند. وزارت مالیه، این شکایتها را مبتنی بر حفظ منافع شخصی قلمداد کرد و اعلام نمود: منافع عمومی ایجاب می‌نماید که این محدودیتهای اعمال شود. (۴) تجار تخانه‌های خارجی نیز، در امور ارزاق مداخله می‌کردند. دولت،

# رویکرد تجار، به مسائل سالهای جنگ اول جهانی

دکتر سهیلا قرابی فارسانی

از گاهی، تغییراتی در آن داده می‌شد و اسامی برخی افراد، به مرور حذف یا به آن اضافه می‌گردید. اولین فهرست موجود، در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ منتشر شد. دیگری، در سوم فوریه ۱۹۱۷ و فهرست سوم، بدون تاریخ بود. افرادی که اسامی آنها از فهرست حذف می‌شد، یا در منطقه نفوذ انگلیسیها قرار داشتند و ناچار بودند متعهد شوند که با آلمانیها دست به معامله نزنند، و یا بتدریج از پیشرفت آلمانیها مابوس می‌شدند و با انگلیسیها سازش می‌کردند. (۱۷)

در سال ۱۳۳۳/۱۹۱۵، فعالیت آلمانیها در ایران، بقدری موفقیت آمیز بود که برای مدتی، قدرت انگلیسیها را در بنادر جنوبی کاهش داد. بیشتر تجار ایرانی، که حضور مداوم دو قدرت روس و انگلیس را تجربه کرده و سایه سر مایه‌های این رقیبای سرسخت را، در همه امور تجاری دیده بودند، ناخواسته به قدرت سومی که بتواند آنان را از میدان به در کند یعنی آلمانیها، گرایش یافتند.

انگلستان و روسیه، نیازهای مالی خود را در ایران، از طریق بانکهای شاهنشاهی و استقرار می‌آورده می‌کردند؛ در حالی که آلمانیها، این امکان را نداشتند؛ از این رو، به تجار و تجارخانه‌های ایرانی متوسل می‌شدند. از این نمونه، می‌توان از «شرکت اتحادیه» نام برد که در آغاز جنگ، قراردادی مخفیانه با آلمانیها منعقد کرد که بر پایه آن، آلمانیها، با پرداخت ارز به این شرکت در خارج از کشور، پول مورد نیاز خود را در داخل کشور تأمین می‌کردند. انگلستان، از این معاملات آگاهی یافت. نام شرکت اتحادیه، در فهرست سیاه قرار گرفت. تمام دارایی آن، در انگلستان و بمبئی توقیف گردید و به اتباع آن کشور، اعلام شد با شرکت مزبور، هیچگونه معامله‌ای انجام ندهند. اتحادیه، برای لغو ممنوعیتها، مجبور به مذاکره شد و انگلستان، شرط آزاد کردن اموال ضبط شده و ممانعتهای قانونی وی را، معامله نکردن با دشمنان انگلستان در داخل و خارج از ایران اعلام نمود. اتحادیه، تهدید شد در صورت رعایت نکردن این موارد، اموالش در هند و بریتانیا ضبط گردیده، حق هیچگونه شکایت هم نخواهد داشت. اتحادیه، همچنین می‌بایست وثیقه‌ای به مبلغ بیست هزار لیره به عنوان ضمانت در لندن و بمبئی سپارد تا اگر تعهدنامه را رعایت نکرد، این مبلغ توسط دولت انگلستان ضبط گردد و شرکت مزبور، حق هیچگونه اعتراض و شکایت نداشت. (۱۸)

شرکت اتحادیه، موظف بود گزارش دفتر روزنامه معاملات خود را، برای آگاهی دولت انگلستان، به سفارتخانه آن کشور اعلام نماید تا طرهای تجاری آن، به طور مرتب بررسی شوند. همچنین، می‌بایست اسامی مشتریان و عاملهای خود را در مناطق مختلف نیز، به سفارت بفرستد. اتحادیه، طبق تعهدنامه‌ای رسمی، تمام این قیود را برای رفع ممانعتهای تجاری خود و حذف نامش از فهرست سیاه، پذیرفت. انگلستان، عملیات تجاری بیشتر شرکتهای و تجارخانه‌ها را زیر نظر داشت و هر چند ماه یک بار، تغییراتی در فهرست سیاه ایجاد می‌کرد. (۱۹) به طور مثال، در ۲۵ آوریل ۱۹۱۶، نام حاجی عبدالرحمان شیرازی، رئیس شرکت تجاری فارس و صادق افشار یزدی، از فهرست حذف شد و به اتحادیه اجازه داده شد، با حاجی محمد و حاج عبدالحسین تهرانی تسویه حساب کند؛ زیرا به تازگی نام آنها در فهرست قرار گرفته بود. اتحادیه برای انجام هر گونه معامله، مجبور بود از سفارت کسب اجازه کند. به طور مثال، وی، برای معامله با امین‌التجار اصفهانی کسب اجازه می‌کند و سفارت، اعلام می‌نماید: هنوز به وی و حاجی مهدی سمسار اصفهانی مظنون است و نمی‌تواند در مورد آنها، به طور کامل مطمئن باشد. اتحادیه، حتی برای ارسال حواله‌های پولی خود، مجبور به کسب اجازه از سفارت بود. وی، در ژانویه ۱۹۱۷، اجازه ارسال مبلغی پول را به حساب امیر بهادر در سوئیس می‌خواهد و سفارت، مشروط بر آنکه این مبلغ به نفع دشمنان انگلستان به کار برده نشود، اجازه می‌دهد. بالاخره دولت انگلیس، در ماه مه ۱۹۱۹، وثیقه مالی اتحادیه را به وی بازگرداند و اموال ضبط شده‌اش در لندن و بمبئی آزاد شد. (۲۰)

برای جلوگیری از هر نوع کمبود غذایی، از این گونه مداخلات ممانعت کرد. (۵) گرایش تجار به منافع شخصی و فاصله گرفتن از امور سیاسی، برخی از آنان را به سمت احتکار اجناس و مواد غذایی در انبارهایشان، سوق داد. (۶)

حضور نظامیان بیگانه در کشور، باعث هرج و مرج و ناامنی شد. اشغال بخشهای شمالی به دست نیروهای روسیه، خشم تجار را، که بیش از سایر اقشار، آسیب پذیر بودند، برانگیخت. در اردبیل، قزاقهای روسی، در پی اتباع عثمانی، به خانه حاج محمدحسین، تاجر معتبر شهر ریخته، خسارهای بسیار وارد کردند و در هنگام بازگشت، بازار را آتش زدند. عموم تجار اردبیل، در اعتراض به رفتار قشون روسیه، به دولت تلگراف کردند. (۷) حمله به تجار تبعه کشورهای متخاصم، به بهانه‌های مختلف انجام می‌شد. حتی برخی از تجار ایرانی، به دلیل احساس ناامنی یا حفظ اموالشان، خود را تحت حمایت روسیه قرار داده، پسوند «اف» را به نام خود افزوده بودند (۸) که وضعیت نابهنجار تجار را در دوران استبداد تداعی می‌کرد. دولت عثمانی، به خاطر تسامح دولت ایران در هنگام حمله نیروهای روسیه به تجار تحت تابعیت آن کشور، اعتراضنامه‌ای به دولت ایران تسلیم کرد. (۹) با وجود کلیه تعدیاتی که از جانب این کشورها به تجار و تجارت ایران وارد می‌شد، ضعف و عدم انسجام سیاسی دولت ایران، موجب گشت که مورد اعتراض این دولتها نیز، قرار گیرد.

بر اثر عبور قشون انگلیس، تجارت منطقه سیستان، دچار اشکال شد. (۱۰) از انزلی ورشت نیز، جمع کثیری از تجار، نسبت به اجحاف نیروهای روسیه و توقیف کالاهای تجار ایرانی در بادکوبه، که می‌خواستند در هر پوت، سه منات کمتر خریداری کنند، اعتراض نمودند و این امر را، موجب خسارت هنگفت خود دانستند. آنان، با تحصن در تلگرافخانه، از دولت مرکزی کمک خواستند. (۱۱) صدور کالاهای ایران به روسیه، بشدت آسیب دید و تقاضای برای آن کالاها، بسیار کاهش یافت. کالاهای وارداتی نیز، کمیاب و فوق العاده گران شده بود. (۱۲)

انقلاب روسیه، به وضعیت تجاری ایران و روسیه، بشدت آسیب وارد کرد. اجرای قوانین خاص انحصار تجاری در روسیه، امکان مبادله تجاری را برای تجار ایرانی با آن کشور، دشوار ساخت و تعدد خریداران کالاهای ایرانی را، فقط به یک مرکز دولتی منحصر کرد، و چون انحصار بود، ارزان می‌خرید و کالاهای خود را گران می‌فروخت. این امر، به نارضایتی تجار ایرانی منجر شد و از دولت، تقاضای حمایت کردند. آنان، در نامه‌ای به رئیس الوزران نوشتند: «نصف ثروت تجار بحر خزر، به واسطه انقلابات روسیه، رفته؛ جزئی باقیمانده آن هم، از بی‌اعتنایی و زرای عظام، عنقریب از میان برود. (۱۳) تجار آستار نیز، طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی، از وضعیت نامساعد تجاری با روسیه، شکایت کردند. (۱۴) آنان، مسئله انحصار، بستن تعرفه جدید گمرکی به مال‌التجاره‌های ایران، کاهش ارزش پول ایران، افزایش قیمت کالاهای روسی از جمله ترقی فوق العاده قیمت قند، (۱۵) گسترش تجارت روسیه در داخل ایران و ورشکستگی تجار ایرانی را، به خاطر نامساعد بودن شرایط تجاری مطرح کردند.

افزایش دخالت‌های بیگانگان، به تجارت جنوب کشور نیز، آسیب وارد کرد. حضور قشون عثمانی در بصره، عدم عبور و مرور کشتیها و حمل کالا، امور تجارتی را مختل کرده بود. (۱۶) لزوم پرداخت مالیاتهای قانونی و غیرقانونی نیز، موجب کاهش نقدینگی و نابسامانی وضعیت تجار شده بود. انگلیسیها، در جنوب ایران قویا پیاده کردند تا هم از نابسامانی نفت محافظت کنند و هم از فعالیت آلمانیها در سراسر کشور و بخصوص در بین عشایر، جلوگیری نمایند. با افزایش دامنه جنگ، دخالت انگلیسیها، به امور تجاری نیز کشانده شد و کار به جایی رسید که فهرستی معروف به «لیست سیاه ایران»، از اسامی برخی تجار ایرانی و شرکتهای خارجی و داخلی، که با دشمنان انگلیس، بخصوص آلمانیها معامله داشتند، منتشر نمودند. این فهرست، به صورت علنی انتشار یافت و هر



طی نامه‌هایی به شهاب‌السلطنه، حکمران اصفهان، خواهان تأمین امنیت راهها و استرداد اموال مسروقه آنها از سارقان شد. (۳۶) اعتمادالتجار و صدرالسادات، دو نماینده تعیین شده از سوی اتحادیه تجار بودند تا رابط آنها با حکومت قرار گیرند. (۳۷)

علاوه بر فشار نیروهای بیگانه و تأثیر حضور آنان در امور تجاری، عوامل مخرب درونی جامعه، از جمله ناامنی راهها و شهرها بر اثر حملات و درگیریهای ایلات، کمبود نیروهای ژاندارمری در مناطق کشور و اعتراض مردم، ناتوانی و ضعف حکومت مرکزی و اجحاف حکام ایالات، که در دوران پیش از مشروطیت نیز، از مشکلات تجار بود. همچنان وجود داشت. شکایتهای تجار از گوشه و کنار کشور، بخوبی گویای وجود چنین شرایطی بود. تجار رفسنجان (۳۸) و قوچان (۳۹) به منظور شکایت از حکومت، در تلگرافخانه گرد آمده بودند. در خرم‌آباد، گروهی از تجار داخلی و خارجی، در تلگرافخانه متحصن شدند و «عرض حالی به خاک پای همایونی» نگاشتند. (۴۰) تجار فارس، در تلگراف اعتراضی به وزارت داخله، از انسداد و ناامنی راههای جنوب و نبود امکان برای جابه جایی مالالتجاره، شکایت کردند. (۴۱) تجار تبریز نیز، از حملات ایلات شاهسون به روستاها و کاروانهای تجاری و ناامنی و اغتشاش حاصل از آن، متظلم شدند. کلیه راههای منتهی به تبریز، مسدود شده، «مکارها، مالالتجاره‌ها را در میان راه گذاشته، احدی جرئت تردد نداشت». (۴۲)

تجار و مردم نهادند، طی اعتراضی به نماینده خود در مجلس، از نبودن نهادهای مدنی از قبیل تلگرافخانه، نظمی و بلدییه در آن شهر، شکایت کردند. (۴۳) تعداد اندک ژاندارمها در کرمان، موجب وحشت اهالی شده، اصناف آن شهر، از ناامنی منطقه ابراز نگرانی کردند و خواهان ابقای اداره ژاندارمری در شهر خود شدند. (۴۴) تجار، برای برقراری امنیت، گاه به همراه اصناف و در مواردی بتنهایی، به مقامهای دولتی عریضه می نوشتند و در مواردی، خواهان ابقای شخصیتهایی می شدند که قادر به حفظ امنیت راهها و کاروانهای تجاری بودند؛ از جمله تلگراف تشکر آمیز تجار، اصناف و دیگر اهالی قم، به صاحب منصب ژاندارمری در آن منطقه (۴۵) هر گاه نیروهای دولتی، قادر به استقرار و حفظ امنیت نمی شدند و اعتراضها و شکایتهای نیز به نتیجه نمی رسید، آنان، سعی می کردند با به کار گرفتن برخی از عشایر، با کمک قوه قهریه تحت نفوذ خود، به آسایش و امنیت برسند. به طور مثال می توان به قراردادی که مابین علما، تجار، اصناف و رعایای خوانسار منعقد شد، اشاره نمود. آنان، برای دفع و اخراج الوار و استقرار امنیت، با یکدیگر پیمان بستند. (۴۶)

از دیگر مشکلات تجار در این سالها، که اعتراضهای گسترده بسیاری به همراه داشت مسئله گمرک بود. تجار انزلی، از بی نظمی و ناهماهنگی امور گمرک، به حکومت مرکزی اعتراض کردند و مدعی شدند برای خروج مالالتجاره و حمل آن به بادکوبه، علاوه بر پرداخت عوارض گمرک انزلی، در آستارا نیز، مجبور به پرداخت عوارض شده‌اند. (۴۷) بی نظمی و نبود قانون در نهادهای حکومتی، موجب بروز حوادث بسیاری از این نمونه بود. در انزلی، بین نایب‌الحکومه، رئیس نظمی و کارگزار گمرک، بر سر خروج کالاها قاجاق توسط روسها، هماهنگی وجود نداشت و تجار، به دلیل ضعف و بی قانونی دولت مرکزی، مجبور به تحمل فشار و اجحافهای بسیاری بودند. (۴۸) گرفتن حقوق گمرکی بیش از حد و منع صدور برخی کالاها از جمله خشکبار به

تجار و مردم نهادند، طی اعتراضی به نماینده خود در مجلس، از نبودن نهادهای مدنی از قبیل تلگرافخانه، نظمی و بلدییه در آن شهر، شکایت کردند. (۴۳) تعداد اندک ژاندارمها در کرمان، موجب وحشت اهالی شده، اصناف آن شهر، از ناامنی منطقه ابراز نگرانی کردند و خواهان ابقای اداره ژاندارمری در شهر خود شدند. (۴۴) تجار، برای برقراری امنیت، گاه به همراه اصناف و در مواردی بتنهایی، به مقامهای دولتی عریضه می نوشتند و در مواردی، خواهان ابقای شخصیتهایی می شدند که قادر به حفظ امنیت راهها و کاروانهای تجاری بودند؛ از جمله تلگراف تشکر آمیز تجار، اصناف و دیگر اهالی قم، به صاحب منصب ژاندارمری در آن منطقه (۴۵) هر گاه نیروهای دولتی، قادر به استقرار و حفظ امنیت نمی شدند و اعتراضها و شکایتهای نیز به نتیجه نمی رسید، آنان، سعی می کردند با به کار گرفتن برخی از عشایر، با کمک قوه قهریه تحت نفوذ خود، به آسایش و امنیت برسند. به طور مثال می توان به قراردادی که مابین علما، تجار، اصناف و رعایای خوانسار منعقد شد، اشاره نمود. آنان، برای دفع و اخراج الوار و استقرار امنیت، با یکدیگر پیمان بستند. (۴۶)

وزیر تجارت، به عنوان نماینده حکومت، غالباً فرمانها و سیاستهای دولت را در امور تجاری، ابلاغ می کرد و گاه در خصوص قیمتها بخصوص قیمت کالاها و وارداتی، با تجار وارد مذاکره می شد. (۲۵) همچنین این وزارتخانه، در بیانیه ای اعلام کرد: تصمیم گرفته شده است تا از منابع کشور استفاده گردد و از عموم سرمایه داران، تقاضا نمود در زمینه استخراج معادن، بهبود راهها و وسایل حمل و نقل، سرمایه گذاری نمایند. (۲۶) این وزارتخانه، به کلیه مأموران دولتی اعلام نمود، به واسطه جنگ جهانی و کاهش ورود اجناس وارداتی، در صدد تشویق کالاها داخلی برآیند و در حوزه اقتدار خود، اقداماتی که مستلزم پیشرفت این مقصود باشد، به عمل آورند. (۲۷)

وزیر تجارت، پیشنهادی مبنی بر تشکیل شوراهای تجاری در شهرهایی که دارای اهمیت تجاری و صنعتی بود، به هیئت وزرا تقدیم نمود. نیمی از اعضای آن شورا، از سوی وزارت تجارت و نیمی دیگر، به انتخاب تجار بود و رئیس آن را از بین افراد منتخب وزارت تجارت و ریاست کل شوراها، وزیر تجارت بر می گزید. حوزه عمل این شوراها، در ماده شانزدهم نظامنامه تشکیل این شوراها، در سیزده مورد مطرح گردیده است. این شوراها، حق دخالت در امور سیاسی نداشتند؛ ولی در موارد زیر، حق اظهار نظر داشتند: تغییر تعرفه های گمرکی، محاکم تجاری، مسائل صرافی، ترتیب وسایل حمل و نقل مال التجاره، قذغن موقتی در حمل برخی کالاها به خارج، نمایشگاه تجاری، امتیازات تجاری، وضع یا تغییر قوانین تجاری و صنعتی و تأسیس دایرة اطلاعات. مواد نظامنامه این شوراها در ۳۲ ماده، در جراید عمومی به چاپ رسید. (۲۸) به رغم انتشار این نظامنامه، از امکان و چگونگی اجرا و کارایی آن و تصمیم هیئت وزرا، آگاهی در دست نیست. با وجود طرح چنین پیشنهادها و لوایحی از سوی وزارت تجارت. که نهادهای دولتی بود به دلیل ضعف عمومی و اجرایی دولت، امکان عمل و اجرای درست آن، بسیار ضعیف بود.

از دیگر نهادهای فعال این دوران، محکمه تجارت بود. نمایندگانی از جانب تجار، با رأی گیری انتخاب می شدند و اعضای محکمه را تشکیل می دادند. (۲۹) طرحهایی نیز، به منظور ترتیب امور آن، به مجلس شورای ملی پیشنهاد شد که بر اساس مواد آن، ریاست محکمه از جانب دولت، و اعضای آن، توسط تجار و مطابق با نظامنامه مخصوص تعیین می گردیدند. (۳۰) بدیهی است، تعیین رئیس محکمه از جانب دولت، بدون توافق تجار، امکان پذیر نبوده است. مقام ریاست، با پیشنهاد تجار و پذیرش دولت، تعیین می گردید. حتی از جانب تجار ارومیه، از هیئت وزرا تقاضا شد، مقام ریاست اصناف نیز، به عهده رئیس تجار گذارده شود تا جریان امور معاملات، بخوبی صورت گیرد. (۳۱) در مورد اصناف، کماکان هر صنف، دارای اتحادیه خاص خود بود و از جمله اتحادیه حمامها یا خبازها که همه دارای اتحادیه مرکزی بوده اند. این اتحادیه ها، در دعوای اصناف، نقش میانجی داشته اند. (۳۲) در این دوران، اتحادیه تجار نیز، فعال بود. اسناد و مکاتبات اتحادیه تجار اصفهان، موجود است که طی مکاتباتی با حکومت اصفهان، خواهان استقرار امنیت در این منطقه شده است (۳۳). از گسترش و میزان فعالیت و تشکلهای این اتحادیه، آگاهی چندانی در دست نیست، ولی به نظر می رسد این اتحادیه، حضور فعال و منسجمی در حل مشکلات تجار نداشته است.

از مسائل اساسی تجار در سالهای جنگ، باید به مشکل همیشگی آنان یعنی تأمین امنیت اشاره کرد که در این سالها، بیش از پیش دست نیافتنی، اما ضروری می نمود. تجار و اهالی انزلی، از ناامنی و تجاوزات نیروهای روسیه در منطقه، شکایت کردند. ولی از آنجا که دولت، امکان اعمال قدرت نداشت، این اعتراض، به فرمانده کمیته روسیه گفته شد و جالب بود که از طرف نظامیان روسی و نه از طرف دولت ایران، گروهی برای حفظ بازار و امنیت شهر، تعیین گردید. (۳۴) تجار آذربایجان، به خاطر مزاحمت نیروهای روسیه و قتل و غارت آنان در ارومیه و خوی، به وزیر داخله شکایت کردند و خواستار اقدامهایی از سوی دولت، در بهبود اوضاع منطقه شدند. (۳۵) اتحادیه تجار اصفهان نیز،

مجموعه این مکاتبات، بیانگر مداخله شدید انگلستان در امور تجاری و مالی کشور، طی سالهای جنگ جهانی بود. دولتهای بیگانه، به بهانه جنگ، نظارت و دخالت خود را در طبیعی ترین حقوق تجار ایرانی. که معامله آزاد و مبتنی بر منافع شخصی آنان بود افزایش دادند. این دخالتها، نه فقط معاملات تجاری که مبادلات پولی را نیز، در بر می گرفت. انگلستان، تمامی معاملات داخلی و حواله های پولی را، تحت کنترل داشت و به این ترتیب، امکان عملکرد مستقل را از تجار ایرانی می گرفت. افزایش نفوذ بیگانگان در کوچکترین مسائل تجاری، امکان بازایی شخصیتی تجار و دستیابی مجدد به قدرت را، از آنان گرفت و هر چه بیشتر به قدرتهای بیگانه، وابسته کرد و به تقویت تجارت واسطه گری دامن زد.

## ب - تجار و مسائل آنان در سالهای جنگ

موقعیت طبقه تجار ایرانی در سالهای جنگ جهانی، بشدت رو به ضعف رفت و این گروه، امکان بازسازی خود را از دست داد. در این سالها، نه تنها قدرت سیاسی تجار کاهش یافت که تجربه های تأسیس شرکتهای همکاریهای گروهی آنان نیز، با موفقیت همراه نبود. افزایش مداخله قدرتهای خارجی در امور تجاری، ضعف دولت و بازگشت نیروهای ارتجاعی و عناصر سنتی، از جمله به دست گرفتن پست وزارت داخله و تشکیل کابینه به دست عین الدوله، که «عینامسلک سابق را تعقیب» (۳۱) می کرد و ارتباطهایی با سران اشرا بر خصوص نایب حسین کاشی داشت، زمینه دگرگونی شرایط اجتماعی و تحقق اهداف تجار مشروطه خواه را فراهم نکرد. علاوه بر این، نامساعد بودن اوضاع تجاری، کاهش قیمت کالاهای صادراتی همچون تریاک و قالی و افزایش محصولات وارداتی مثل قند، (۳۲) افزایش قیمت ارزاق و بسته شدن راههای مبادلاتی، موجب کاهش عایدات گمرک و افزایش فشارهای مالیاتی بر تجار شد و طبعاً نارضایتیهای در آنان ایجاد کرد.

همان طور که پیش از این بدان اشاره شد، مداخله بیگانگان در امور تجاری به بهانه جنگ، و نامساعد بودن شرایط داخلی، تجار را به سمت همکاری با شرکتهای خارجی کشاند. تجار ایرانی، بیش از پیش نقش دلال و واسطه را برای شرکتهای تجاری خارجی بازی کردند؛ چون بجز آن، راه و امکانی برایشان وجود نداشت. به طور مثال، قراردادی مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لمتید چرچیل (Churchill Limited Company) مستقر در منچستر منعقد شد که طبق آن، اتحادیه، وکیل آن کمپانی در ایران شد تا سفرهای ادارات و تجار دیگر را به کمپانی ارسال و شرایط ارسال سفار شها را فراهم نماید. در این قرارداد، وکیل کمپانی، حق العمل سفار شها را به میزان صدی سه می گرفت و «بروات و اوراق را، به توسط بانک یا کسان تعیین شده در ممالک اروپا، حواله وکیل» می کرد. (۳۳) جنگ جهانی، بر تقویت این شیوه افزود و تجار، که قدرت خود را از دست داده بودند، ارتباط بیشتری با شرکتهای خارجی پیدا کردند و به عنوان رابط این شرکتهای، در ایران عمل کردند. البته نمی توان گفت، تجار، از آرزوهای خود دست برداشتند؛ ولی زمانه، امکان تحقق آن را فراهم نکرد. به طور مثال، جمعی از تجار جنوب، تلاش کردند کمپانی جهازات در راه جند، کلکته و بنادر خلیج فارس تشکیل دهند. حاج زین العابدین امین التجار شیرازی و حاج عبدالحسین، از تجار فعال در بمبئی و میرزا محمد امین التجار و گروهی دیگر از تجار ایرانی، حاضر به همکاری شدند (۳۴) ولی به دلیل اختلافهای شخصی، اطمینان نداشتن به یکدیگر، طمع شخصی و سوء استفاده های مالی، این همکاریها نیز بی نتیجه ماند و تجار، هر چه بیشتر به سمت وابستگی و همکاری با شرکتهای خارجی، گرا شدند.

در خصوص نهادهای تجاری. که در آن زمان می توانست امکان تشکل و حل مسائل تجار را به عهده گیرد. می توان از وزارت تجارت و فواید عامه، به عنوان نهادی دولتی نام برد که ضعف ساختاری حکومت، امکان کارکرد مناسب را از آن گرفته بود.

روسیه، از زمره اعتراض‌های تجار بود. شکایتهای بسیاری از سوی معین‌التجار و جمعی دیگر از تجار (۴۹) در خصوص منع صدور خشکبار به روسیه، مطرح شد. (۵۰) آنان، جنگ بین‌المللی را، عامل تباهی تجارت خواندند و افزایش مالیات گمرکی خشکبار صادراتی به روسیه و ممانعت از خروج آن را، نابودی قطعی تجارت دانستند. گروهی از تجار رشت و قزوین از جمله محمدباقر شاهرودی و حاج‌زین‌العابدین تاجر رشتی در کنار دیگر تجار، به ممانعت صدور کالا به روسیه اعتراض کردند. (۵۱) وضعیت تجار شمال کشور، به دلیل شرایط خاص روسیه، دشوارتر بود و از این رو، خواهان حمایت و نظارت بیشتر دولت بودند. (۵۲) تجار مشهدسر، به رواج رشوه در گمرک، که آن را «سبب خرابی ملک» می‌دانستند، اعتراض داشتند. (۵۳) تجار جنوب نیز، هر چند مشکلات تجار شمال کشور را انداشتند، ولی به گونه دیگری با مسائل گمرکی سروکار داشتند. تجار بوشهر، طی نامه‌های متعددی به وزیر خارجه و وزیر تجارت، به تغییر محل گمرک اعتراض کرده، آن را موجب ضرر و زیان بسیار تجار دانستند. (۵۴)

تجار، علاوه بر مسائل مربوط به گمرک، در خصوص قانون جدید مستغلات که مالیات صدی پنج را مطالبه می‌کرد (۵۵) همچنین، مالیات جدید نواقل شهری، از زمره مالیات‌هایی بود که تجار و کسبه، به پرداخت آن اعتراض کردند. (۵۶) تجار تبعه خارجه و از جمله سفارت‌های روس و انگلیس نیز، در مورد این مالیات، که آنها هم موظف به پرداخت آن بودند، دست به اعتراض زدند. (۵۷) چون دولت، با بحران مالی شدیدی، که روال طبیعی امور را دگرگون ساخته بود، دست و پنجه نرم می‌کرد، طرح مالیات‌های جدید، می‌توانست راه حلی برای مشکلات مالی اش محسوب شود. اما اعتراض‌های تجار به این مالیات‌ها، هر چند بیانگر نامناسب بودن شرایط تجارشان بود، حاکی از گرایش آنها به صرف توجه به منافع شخصی و فاصله گرفتن از دولت مشروطه به شمار می‌آمد. وضعیت و مشکلات تجار در این سالها، نوعی بازگشت و رجعت به دوران پیش از مشروطه را تداعی می‌کند که آنان، به دنبال جلب حمایت دولت در مقابل خارجه‌ها، استقرار امنیت، قانون و بهبود راه‌ها بودند. این مرحله تاریخی، تلاش بیهوده تجار را در استقرار نهادهای نوین و تکاپوی آنان را در استقرار مشروطیت، بی‌حاصل نشان می‌دهد و راه هر گونه اصلاحات را می‌بندد. در واقع، سالهای جنگ بین‌الملل، موقعیت تجار را با سرعت بیشتری به دوران استبداد نزدیک کرد و خواستهای آنان را از مشروطیت، بی‌پاسخ گذارد.

### ج - عملکرد مجلس سوم

مجلس دوم، در ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ (۲۷ دسامبر ۱۹۱۱) تعطیل شد و افتتاح مجلس سوم، نزدیک به سه سال به تعویق افتاد. تجار ایرانی، که به دنبال طرح مجدد خواسته‌های خود و حضور در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی بودند، با دخالت قدرتهای خارجی در امور داخلی ایران، اولتیماتوم روسیه و تعطیلی مجلس، موانع بیشتری را در روی خود دیدند. با این حال، برایایی مجدد مجلس به عنوان نهادی نوین، می‌توانست بسیار راهگشا باشد. در این مرحله، تجار بزرگی همچون امین‌الضرب، که پس از استبداد صغیر، از صحنه فعالیت‌های سیاسی خارج شده بود، مجدداً وارد صحنه شد. با فشار روزنامه‌ها و افکار عمومی، هیئت منتخبی از اشخاص موق «از اهالی تهران تشکیل شد که ریاست آن، به عهده سردار اسعد و نیابت آن، به عهده ظهیرالدوله و حاج‌امین‌الضرب قرار گرفت. از سوی این هیئت، مکاتبات متعددی در خصوص لزوم «تسریع در تشکیل مجلس شورای ملی» که «وسیله منحصراً نجات مملکت» بود، مطرح گردید و دولت، به آنان اعلام نمود: هیئتی از «صاحبان افکار و اشخاص موق از اهالی تهران» نشست تشکیل دهند و در گشایش مجلس سوم تسریع نمایند. (۶۴) هیئت منتخب، در نامه‌ای به دولت اعلام نمود: به رغم اینکه تشکیل مجلس شورای ملی در شرایط کنونی جامعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است ولی انجام تغییر در نظامنامه و «تطبيق آن با حواجیب و خیر عمومی» بر اساس مقتضیات و صلاح مملکت، می‌باید به عهده هیئتی گذارده شود که سمت «نماینده‌گی معنوی آنها از عقاید و افکار عمومی» مشخص باشد، و پیشنهاد شد که دولت، پنجاه نفر از طبقات مختلف را، به هر ترتیبی که صلاح می‌داند، گرد هم آورد و بحث در مورد قانون انتخابات را به عهده آنان گذارد. ولی آنان، این امر را در صلاحیت خود ندانستند. (۶۵) به رغم چنین گفتگو‌هایی، تشکیل مجلس سوم تا ۱۶ محرم ۱۳۳۳ / ۷ دسامبر ۱۹۱۴ به تعویق افتاد که تا ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۳ / ۶ نوامبر ۱۹۱۵ دوام یافت.

نظامنامه انتخابات، برای بار سوم تغییر یافت. به دلیل مشکلاتی که در انتخاب نمایندگان مجلس در دو دوره قانون‌گذاری پیشین ایجاد شده بود، به پیشنهاد گروهی از نمایندگان مجلس دوم، تصمیم گرفته شد تغییراتی در قانون انتخابات ایجاد شود. کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخاباتی مجلس، تشکیل و از رجب ۱۳۲۹ تا تقریباً پایان

در زمینه صرافایی و مبادلات پولی در سالهای جنگ، مسائل بسیاری وجود داشت. اما تهاکنه‌ای که در این مبحث جادار بداند اشاره شود، افزایش ارزش نقره و در نتیجه، تأثیر آن در نرخ قران بود. هر چند این افزایش جنبه موقتی داشت ولی در این سالها، هم برای تجار و صرافان ایرانی و هم برای دولت ایران، می‌توانست مفید باشد. کاهش شدید نرخ لیره در سالهای ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ / ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸، چنانکه یکی از صاحب‌نظران امور پولی معتقد بود، می‌توانست مورد بهره‌برداری ایران قرار گیرد و علاوه بر تغییر مقیاس پول ایران از نقره به طلا، از کاهش نرخ لیره، سود جسته و قروض گذشته خود را با میزان یک دوم تا یک سوم مقدار پس از جنگ، بپردازد. (۵۸)

در سالهای جنگ، به دلیل تغییر ارزش نقره و افزایش نرخ قران، تبدیل اسکناس به پول مسکوک، بسیار رایج شد و اسکناس به ترتیب سابق در معاملات به کار گرفته نمی‌شد. (۵۹) این امر، موجب استفاده بسیار صرافان و افزایش صرف پول شد. (۶۰) با گسترش دامنه جنگ، بانکها در برخی نقاط تخلیه شدند و پول نقد، از جریان امور خارج شد. در بسیاری از شهرها، به مراکز بانک شاهنشاهی حمله شد و موجودی آنها غارت گردید و بین سربازان تقسیم شد. در سال ۱۳۳۵ / ۱۹۱۵، از ۱۷ شعبه بانک شاهنشاهی در سراسر کشور، ۷ شعبه آن در اختیار نیروهای آلمانی بود. (۶۱) بانک شاهنشاهی، برای



زرتشتیان، حاج آقا محمد معین التجار بوشهری و میرزا محمد علی خان ملک التجار، نمایندگان بوشهر نام برد. این نمایندگان، بجز ارباب کیخسرو، که در مواردی در مجلس ابراز عقیده کرد، در مذاکرات مجلس چندان فعال نبودند و ابراز عقیده چندان از آنها در مجلس دیده نمی شود.

ارباب کیخسرو، بخشی از وظیفه نمایندگی خود را، تذکراتی مربوط به واژه گزینی برای کلمه های فرنگی می دانست (۶۹) و در مواردی، به توضیحاتی لفظی در خصوص مواد مربوط به قانون پست پرداخته است. (۷۰) در مذاکرات مربوط به امور مالیه و محاکمات، ارباب کیخسرو و معین التجار، در خصوص مواد قانونی آن، ابراز عقیده کردند (۷۱) و هر دو آنها، موافقت خود را با برنامه دولت مبنی بر حفظ امنیت، تقویت ژاندارمری، قوت و استحکام اداره مالیه بر اساس تقسیم اختیارات مابین وزیر مالیه و اداره های وزارت مالیه، تعیین مرجعی برای تظلمات مردم از اداره مالیه و رعایت مسائل اقتصادی در تشکیلات مالیه، مورد تأیید قرار دادند و ارباب کیخسرو، در خصوص اهمیت ضرورت آن، سخنرانی کرد. (۷۲)

دولتهایی که طی دوران مجلس سوم بر سر کار آمدند، عبارت بودند از: دولت مستوفی الممالک، مشیرالدوله، عین الدوله و دولت دوم مستوفی الممالک و مهمترین مسائلی که با آن رویه رو بودند، حفظ بی طرفی ایران در جنگ و غلبه بر بحران مالی کشور بود. از یک سو فشارهای سیاسی دولتهای روس و انگلیس مبنی بر حفظ تمایلات دوستانه ایران نسبت به این دو کشور در عین حفظ بی طرفی در جنگ و از سوی دیگر، آلمانیها و عثمانیها که مایل به ورود ایران به جنگ بودند و گرایش مشخصی به آنها داشتند، دولتهای این دوره را با بحران سیاسی، مالی مواجه ساخته بود و امکان اجرای

مجلس دوم، به بحث در خصوص تغییر قانون انتخابات پرداخت. شرط محلی بودن داوطلبان نمایندگی از بین رفت و به همین دلیل، رقابت بیشتر شد و لازم بود داوطلبان، رای بیشتری جمع آوری کنند. همین امر، تعداد آرا را نسبت به دوره های قبل افزایش داد و امکان نفوذ صاحبان املاک و متنفذان را بر رای دهندگان بیشتر کرد و ورود آنان را به مجلس تسهیل نمود. شرایط مالی انتخاب کنندگان نیز، که در دوره قبل مجلس متداول بود، حذف گردید. شرط ممنوعیت رای دادن افرادی که فساد عقیده داشتند، در مجلس دوم و سوم تغییر یافت و به این صورت اصلاح شد که کسانی که نزدیکی از حکام شرع، از دین اسلام خارج شده باشند، حق دادن رأی نداشتند. این تغییر، بخصوص مورد توجه دمکراتها بود؛ چون بدین ترتیب، متهم کردن آنها به فساد عقیده، بسیار دشوار می شد. (۶۶)

در نظامنامه انتخابات مجلس سوم، از آنجایی که هیچ گونه شرطی برای رای دهندگان در نظر گرفته نشده بود و بر بافت طبقاتی این دوره مجلس تأثیر گذارد، تعداد ملاکین و روحانیون افزایش یافت و از تعداد تجار و اصناف و تحصیل کردگان جدید کاسته شد. تعداد مالکان، روند رو به رشد داشت. تعداد نمایندگان مالک، از ۲۱ درصد در مجلس اول به ۳۰ درصد در مجلس دوم و ۴۹ درصد از کل نمایندگان در مجلس سوم رسید. (۶۷) مجلس سوم، در ادامه همان سمت و سوی مجلس دوم حرکت کرد. کاهش قدرت سیاسی تجار، که از مجلس دوم آغاز شد، همچنان ادامه یافت. تعداد نمایندگان تجار و اصناف، از ۴۱ درصد مجلس اول، به ده درصد در مجلس دوم و ۷ درصد در مجلس سوم رسید. (۶۸) از نمایندگان تاجر پیشه مجلس سوم، که تعداد آنان بسیار کمتر از مجلس دوم شده بود می توان از ارباب کیخسرو و شاهرخ، نماینده

بانک شاهنشاهی و قانون سربازگیری. بیشتر قوانین تصویب شده در مجلس سوم، به امور مالی، پولی و مالیاتی مربوط می‌شد. تصویب مالیاتهای جدید، که اعتراضهای افشار گوناگون را برانگیخت، حاکی از وخامت اوضاع مالی کشور و تلاش دولت و مجلس، در یافتن راه حلی برای نجات از این وضعیت بود. تغییر تشکیلات وزارت مالیه، عدلیه و پست، و سرو سامان دادن و منظم کردن امور این مراکز، به عملکرد بهتر این مراکز کمک می‌کرد و عواید آنها را افزایش می‌داد و در رفع نابسامانی مالی کشور، مفید بود. (۷۷)

وضع بد مالی دولت، باعث بستن مالیات بر اموال و داراییهای افراد و اقتشار مختلف جامعه و برخی اجناس گردید. پیش از تشکیل مجلس سوم، نظامنامه مالیات اصناف، از جانب مقام خزانه داری کل، به هیئت وزرا پیشنهاد شد. این، مالیاتی بود که به کلیه اصناف و صاحبان پیشه، شغل، صنعت و تجارت و به هر دکان یا شرکت یا کارخانه معینی تعلق می‌گرفت. طبقه علما، مستخدمان دولت، معلمان و مدیران مدارس، از این مالیات معاف بودند. از آنجا که این مالیات، بر عایدات خالص مبتنی بود، افراد را به پانزده گروه با درآمدهای مختلف تقسیم می‌کرد که هر یک از آنها بر حسب درآمد خود، موظف به پرداخت مقدار معینی مالیات بود که مقدار آن، از صدی پنج در آمد خالص بیشتر و از صدی نیم آن کمتر نبود. کسانی که عایدی سالیانه آنها به ۵ تا ۵۲ هزار تومان بالغ می‌گشت، در این تقسیم بندی به طور رسمی عنوان تاجر یا صنعتگر درجه یکم تا سوم را دارا بودند. این نظامنامه، در ۱۴ ماده تنظیم گردید و به مأموران هشدار داده شد که از تفتیش خودسرانه، در یافتن در آمد واقعی افراد خودداری کنند. بنا به گزارشی که در جریان عمومی درج شد، این قانون در هیئت وزرا تکمیل و تجدید نظرهایی در آن صورت گرفت. (۷۸) با این حال گزارشی از طرح آن در مجلس وجود ندارد. این گونه مالیاتها، در صورت اجراء، می‌توانست برخی از نیازهای مالی دولت را بر آورده کند؛ اما از طرف دیگر، به نارضایتی عمومی و فشار بر افشار مختلف مردم می‌افزود. شاید همین طرها بود که به نارضایتی تجار از اعمال بلزیکهای مستقر در خزانه داری کل انجامید و زمینه‌های لغو قانون ۲۳ جوارا فراهم کرد که به تشریح آن خواهیم پرداخت. دو قانون مالیاتی در این دوران، توسط مجلس به تصویب رسید؛ یکی قانون مالیات بر مستغلات و دیگری مالیات بر دخانیات بود. به موجب قانون مستغلات، بر کلیه دکانها، انبارها، کاروانسراها، مهمانخانه‌ها، نمایشگاهها، یخچالها، قهوه خانه‌ها، میادین شهرها و قصبه‌های عمده، مالیات وضع گردید که مقدار آن، صدی پنج عایدات خالص سالیانه تعیین شده بود. برخی اماکن از جمله حمامها، ساختمانهای دولتی، خانه‌های مسکونی شخصی، از دادن مالیات معاف بودند و خانه‌هایی که اجاره داده می‌شد، در صورتی که مال الاجاره، بیش از سی تومان بود، مشمول مالیات می‌گردید. (۷۹) بر اساس قانون مالیات بر دخانیات، مقدار مشخصی مالیات از قرار صدی سی از قیمت، بر انواع توتون در نظر گرفته شد. تعدادی از نمایندگان مالک از جمله سردار معظم و منصر السلطان، با این قانون مخالفت کردند و برقراری چنین مالیاتی را بر توتون و تنباکو، موجب زیان زراعت و تجارت داخلی این محصول و توقف کشت آن دانستند و معتقد بودند، این امر، گرایش به وارد کردن این محصول را بیشتر می‌کند. مخبر کمیسیون، حاج عزالممالک، برای دفاع از این قانون، آن را مالیات جنسی و نه مالیات صنفی قلمداد کرد و این مالیات را، مربوط به تجار بزرگ صادرکننده توتون یا زازارغان ندانست (۸۰) بلکه آن را بیشتر مربوط به مبادله کنندگان داخل کشور، شامل تجار خرد و متوسط و مصرف کنندگان به شمار آورد. بافت خاص نمایندگان مجلس سوم، افزایش تعداد مالکان نسبت به دوره قبل و کاهش مجدد تعداد تجار و اصناف (۸۱) در این مجلس، بر مصوبات آن نیز، بی تأثیر نبوده است. در کلیه قوانین مالیاتی این دوره، فشار مالیاتی، بیشتر بر روی جامعه شهری، تجار، اصناف و صاحبان

برنامه‌های اعلام کرده آنها را غیر ممکن می‌ساخت. همین امر، موجب سقوط دولتهای این زمان می‌شد و بی ثباتی سیاسی کشور را تشدید می‌کرد.

از برنامه‌های مهم دولت مشیرالدوله، که مورد توجه تجار نیز، می‌توانست قرار گیرد، لایحه قانون تشکیلات محاکم تجارت و اصول محاکمات تجاری، لایحه قانونی افلاس تجاری و قانون پروات بود که در تکمیل قوانین عدلیه، به مجلس پیشنهاد و کلیات آن به تصویب رسید. (۷۳) همچنین، در خصوص تشکیلات اداری تجارت و تاسیس اتاق تجارت، که در مجلس دوم مطرح و به نتیجه‌ای نرسیده بود، مجدداً لایحه آن، به مجلس داده شد. وزیر پست و تلگراف و تجارت و فواید عامه، در توضیح تشکیلات اداری تجارت گفت: باینکه تشکیلات اداری تجارت از اهمیت بسیار برخوردار است و به صورت اسمی وجود دارد، ولی هیچوقت وجود خارجی نداشته است. در برخی از کابینه‌ها، اسمی از تجارت برده می‌شد و در بعضی از آنها حذف می‌گردید؛ بر این اساس، هیئت دولت، تصمیم گرفته است اداره ثابتی با قانون تشکیلات اداری ایجاد کند و به این ترتیب، رسمیتی به وزارت یا اداره تجارت بدهد. (۷۴)

قانون محاکم تجارت، که در بین مواد قوانین عدلیه در چندین فصل و ماده مطرح گردید، در شعبان ۱۳۳۳ به امضای رئیس مجلس رسید و به وزارت عدلیه ارسال شد. در این قانون، اعضای محکمه تجارت و ریاست آن، مواد مورد صلاحیت، اصول محاکمات، چگونگی استیناف، احکام صادره از این محکمه و موارد جزئی و کلی دیگر مطرح گردیده است. (۷۵) این قوانین، در کنار حفظ امنیت، مصونیت ژاندارمری، اصلاحات لازم در محاکم عدلیه مرکز، تشکیل محاکم عدلیه در ولایات، ترتیب ثبت اسناد، تمیزی مالیاتهای مستقیم و طرح تشکیلات اساسی وزارت مالیه در ولایات، از برنامه‌های دیگر دولت مشیرالدوله بود. ولی دولت وی، دوام چندانی نیافت و طبعاً اجرای این لوایح نیز، که می‌توانست بخشی از خواستههای تجار را پاسخ دهد، در عمل با شکست مواجه شد. دولت، از قدرت و انسجام سیاسی لازم برای اجرای این طرها برخوردار نبود و افزایش مداخله قدرتهای خارجی در شرایط جنگی نیز، این امکان را از سیاستمداران ایرانی گرفته بود. نابسامانی و نبود ثبات سیاسی به دلیل گسترش جنگ و تغییر سریع کابینه‌ها، قدرت سیاسی دولت را کاهش داده بود. حضور سیاستمداران کهنه کاری همچون عین‌الدوله و فرمانفرما، به گونه‌ای بر تضاد درونی دولت افزوده و امکان هر گونه اصلاح و دگرگونی را غیر ممکن ساخته بود.

بدیهی است که مجلس سوم نیز همچون دوره‌های قبل، در پی استقرار نهادهای نوین و سامان دادن به مشروطیت بود؛ اما متناسب با بافت طبقاتی خود و شرایط سیاسی اجتماعی و وضعیت اقتصادی دولت، از شیوه و عملکرد خاصی پیروی می‌کرد. در مجلس سوم، سه حزب دموکرات، اعتدالی و هیئت علمیه، فعالیت داشتند. از مجموع نمایندگان مجلس سوم، ۳۱ درصد دموکرات و ۲۴ درصد اعتدالی بودند. افزایش تعداد نمایندگان روحانی در مجلس، به تشکیل هیئت علمیه انجامید که تعداد نمایندگان آنها در مجلس، ۱۶ نفر بود. آنها، در اقلیت بودند و به لحاظ موضع سیاسی، راست افراطی شناخته می‌شدند. دموکراتها، با همان برنامه قبلی، از موقعیت برتری در مجلس برخوردار بودند و اعتدالیون، که از زمان انحلال مجلس دوم، دچار انشعاب شده بودند نفوذ سیاسی گذشته خود را از دست داده بودند و موضع ضعیف تری نسبت به مجلس دوم داشتند. (۷۶) اما فعالیت احزاب در مجلس سوم، به طور کلی نسبت به دوره دوم، کاهش یافته بود.

مجلس سوم طی یک سال فعالیت خود، قوانین مهمی به تصویب رساند که مهمترین آنها، عبارت بود از: قانون تشکیلات وزارت مالیه، قانون منع خروج طلا و نقره، مالیات مستغلات و دخانیات، قانون نسخ قانون ۲۳ جوارا، قانون راجع به اسکناس



مشاغل و کارکنان دولت بود. در حالی که هیچ قانونی حاکی از گرفتن مالیات از مالکان وزمینداران بزرگ، دیده نمی‌شود.

قانون دیگری که از اهمیت خاصی نزد تجار برخوردار بود و در برنامه دولت مستوفی الممالک گنجانیده شده بود، نسخ قانون ۲۳ جوزا بود. این لایحه، به نام قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران، در ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۲۹ تصویب شد و وظایف خزانه دار کل را تعیین می‌کرد که در آن زمان، شوستر، متصدی آن سمت بود. از آنجا که مجلس دوم، به شوستر اعتماد بسیار داشت، قدرت نامحدودی به او تفویض کرد که پس از کناره گیری وی، باعث بروز مشکلات چندی شد؛ بخصوص باقرار گرفتن هیئت بلژیکی به ریاست ژوزف مورنارد به جای او که منجر به نارضایتی تجار و دیگر اقشار جامعه شد و او را دست‌نشانده روس‌ها می‌دانستند. حتی جناح راست افراطی مجلس، درباره لزوم لغو هر چه سریع‌تر این قانون، در مجلس سخن گفتند. (۸۲) بررسی و پیگیری این قانون، پس از سقوط دولت مستوفی، توسط مشیرالدوله ادامه یافت. مشیرالدوله، حتی پیش از ارائه برنامه خود، تقاضای لغو قانون ۲۳ جوزا را کرد و مجلس، بدون تردید و باهماهنگی یکپارچه‌ای، آن را به رغم عدم تمایل روس و انگلیس، به تصویب رساند. تمامی مذاکرات، در خصوص آشفستگی و تأثیر این قانون در نابسامانی امور مالی و ضرورت لغو آن بود. (۸۳)

قانون منع خروج طلا و نقره از کشور، توسط سلیمان میرزا و جمعی دیگر از نمایندگان مجلس مطرح شد. تجار نیز، طی نامه‌هایی به مجلس، خواهان چنین امری بودند. نظارت بانک شاهنشاهی بر امور پولی کشور و مشکلاتی همچون کمبود

مسکوک نقره و طلا و اعتراضهایی که در این خصوص مطرح شد، دولت و مجلس را به بحث در این مورد و نهایتاً تصویب منع خروج مسکوک طلا و نقره به طور موقت واداشت و بانک شاهنشاهی را مکلف کرد برای رفع اشکالات امور صرافی و حفظ تعادل، طی دو ماه آینده، در مقابل چاپ اسکناسهای خود، روزانه ده هزار تومان مسکوک نقره تأدیه نماید و تبدیل اسکناس به مسکوک نیز، فقط به میزان یک تومان در هر روز مقرر گردید. (۸۴) از آنجا که رییس مجلس، تصویب این گونه طرح‌ها را «برضد آزادی تجارت» می‌دانست، زمان اجرای آن را، چند ماهه قرار دادند. (۸۵)

مجلس سوم، با وجود دوران کوتاه حیات خود، تلاشهایی برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه تجار و دیگر اقشار جامعه، از جمله بهبود اوضاع مالیه، زاندارمری، سر بازگیری و تلاش برای استقرار امنیت انجام داد. مجلس سوم، به علت مهاجرت گروهی از نمایندگان به قم و از آنجا به کرمانشاه و سپس به خاک عثمانی، بیش از نصف نمایندگان خود را از دست داد و بنا به قانون انتخابات، تعطیل شد. به رغم شرایط ویژه کشور و عدم حضور فعال تجار در صحنه‌های سیاسی، خواسته‌های آنان در تحقق نهادهای امن و سامان یافته دولت مدرن همچنان برقرار بود. با اینکه در دوران جنگ جهانی، موقعیت تجار رو به ضعف رفت و اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را از دست دادند و در لاک تأمین منافع فردی خود فرو رفتند، با این حال در بین تجار، کسانی بودند که برای حفظ کشور از تجاوزات روس و انگلیس، در کمیته دفاع ملی شرکت کردند. از این نمونه، می‌توان از امین‌التجار و اعتمادالتجار نام برد. اعتمادالتجار، به جرم تحریکاتی برضد حکومت نظامی در شهر اصفهان، به برج ناصریه در کرمان



تبعید شد. (۸۶) البته این گونه اعمال، بیشتر جنبه فردی و شخصی داشت و به عنوان عملکرد طبقاتی این گروه، مطرح نبود.

پی نوشتها:

۱. این مقاله، مبتنی بر اسناد موجود در سازمان اسناد ملی باعلامت اختصاری (س.ا.م) و اسناد مربوط به مرکز اسناد بنیاد مستضعفان (م.ا.ب) و اسناد مربوط به مرکز اسناد ریاست جمهوری (ا.ر.ج) و آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ر.ات) تنظیم شده است.  
 ۲. حاج احمد گلزارزاده به معین التجار بوشهری، ۱۳ آکتبر ۱۹۱۸، بندرعباس به تهران، ۱۱۵۳۵۵ ق. (م.ا.ب).

۳. وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، سال ۱۳۳۶، وزارت مالیه، ۱۳۳۶/۵۹۹۳۴۳۳ (س.ا.م).  
 ۴. صورت مجلس وزارت مالیه، ۱۲ محرم ۱۳۳۷، وزارت کشور، ۱۳۳۷/۵۹۳۳۳/۱۳۷/۵۶ (س.ا.م).  
 ۵. اعتراض به وزارت خارجه، ۱۱ ثور ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۷/۴۶۸ (س.ا.م).  
 ۶. وزارت داخله به پیشکار ایالت خراسان، ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۵، وزارت کشور، ۱۳۳۵/۴۶۳۳۷/۱ (س.ا.م).

۷. روزنامه رعد، ۲۹ ذیقعدة ۱۳۳۲، ش ۱۲، ص ۳.  
 ۸. نگاه کنیده: محمدعلیخان فریدالملک همدانی، خاطرات فریده، به کوشش مسعود فریدفر آگرو، تهران، زوار، ۱۳۴۵، ص ۴۶۰.

۹. کتاب سبز، تهران، ۱۳۴۳، ص ۵۰.  
 ۱۰. «از حکومت سیستان به وزارت داخله» ۲۱ رجب ۱۳۳۷، نمره ۴۸، یک ۶۰۶ (س.ا.م). نقل شده از: کاوه بیات، ایران و جنگ جهانی اول، اسنادوزارت داخله، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴.

۱۱. روزنامه ایران، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۸۶، ص ۲.  
 ۱۲. حبل المتین، سال ۱۳۳۲، ذیقعدة ۱۱/۱۳۳۲، آکتبر ۱۹۱۴، ش ۱۳، ص ۷.

۱۳. تلگراف تجار بندر چز به رئیس الوزرا، ۹ سنبله ۱۳۳۶، وزارت مالیه، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۱۴. «سواد عریضه تجار آستاربه مجلس شورای ملی» بی تاله وزارت مالیه، ۵۰/۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).

۱۵. در خصوص کمبود و افزایش قیمت قند، نگاه کنیده به روزنامه رعد، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۴، ۸۱ مارس ۱۹۱۶، ش ۱۲۸، ص ۱.  
 ۱۶. در خصوص اوضاع تجاری بصره طی جنگ جهانی اول، نگاه کنیده به حبل المتین، سال ۱۳۳۲، ذیحجه ۱۶/۱۳۳۲، ش ۲۷، ص ۱۳.

۱۷. نگاه کنیده به منصوره اتحادیه: «لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)» انجا طهران است، مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۳۶-۱۳۳۹. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷، ص ۳۶۳، ۳۷۲.  
 ۱۸. همان، ص ۳۶۷.

۱۹. اسامی تجاری که در فهرست سیاه وزارت خارجه انگلستان در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ انتشار یافت، از قرار زیر بود:

آقا محمد اسماعیل اصفهانی (مشهد)، امین التجار (اصفهان)، حاج عباس عرب (اصفهان)، حاج عبدالرحمن شیرازی، حاجی امین (اصفهان)، حاج غلام حسین (رشت)، حاجی لطفعلی تبریزی (تهران)، حاجی محمد رضا (اصفهان)، حاجی محمد ابراهیم ملک التجار (اصفهان)، حاجی محمد ولینکانی (کرمان)، حاجی صالح عرب (اصفهان)، حاجی غلامعلی (بوشهر) و شیراز)، حاجی محمد باقر بهبهانی (بوشهر و شیراز)، حاج محمد حسین کازرونی (اصفهان)، غفار بنکدار، کیخسرو رستمی کیانیان (کرمان ویزد)، رحیم اتحادیه و پسران (تهران)، حاجی محمد ابراهیم ملک التجار (اصفهان)، مشهدی اسماعیل سلیمانی (کرمان)، مشهدی غلامعلی گالش فروش (رشت)، محمد مهدی سمسار (اصفهان)، میرزا علی کازرونی (بوشهر)، محمد علی تبریزی (بوشهر)، صادق افشار (یزد) در این فهرست، همچنین شرکت تباکوی اصفهان، شرکت فارس و شرکت اتحادیه و اسلامی و مسعودیه، نام برده شده است. (نگاه کنیده به همان، ص ۳۷۱، ۳۷۲).

۲۰. همان، ص ۳۶۷، ۳۷۰.  
 ۲۱. حبل المتین، سال ۱۳۳۲، ربیع الاول ۲/۱۳۳۲، فوریه ۱۹۱۴، ش ۲۷، ص ۱۰، ۱۱.

۲۲. قیمت تریاک، از منی ۳۰ تومان به ۱۰ تومان، و یک طاقه قالی، از ۵۰ تومان به ۲۰ تومان کاهش یافت و یک من قند وارداتی، از ۱۰۰ تومان به ۱۰ تومان افزایش یافت. برای آگاهی از وضعیت تجاری جنوب و مراکز تجاری آن، نگاه کنیده به همان، سال ۱۳۳۲، ش ۲۱، ص ۵.

۲۳. «قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لیمیتد چرچیل» ۱۲ صفر ۱۳۳۲، ۱۷ ژانویه ۱۹۱۴، (آ.ر.ات).

۲۴. نگاه کنیده به حبل المتین، سال ۱۳۳۲، ربیع الاول ۱۶/۱۳۳۲، فوریه ۱۹۱۴، ش ۲۹، ص ۱۵، ۱۶.  
 ۲۵. در مورد مذاکرات وزارت تجارت و فوائد عامه با تجار در خصوص قیمت قند، نگاه کنیده

- روزنامه رعد، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۴، مارس ۱۹۱۶، ش ۱۲۸، ص ۱.  
 ۲۶. روزنامه ایران، اول جمادی الاول ۱۳۳۶، ش ۱۷۳، ص ۱.  
 ۲۷. همان، ۹ ذیحجه ۱۳۳۶، ش ۲۰۲، ص ۱.  
 ۲۸. همان، ۱۲ شعبان ۱۳۳۶، ش ۳۳۲، ص ۲، ۱.  
 ۲۹. روزنامه رعد، ۵ ذیحجه ۱۳۳۲، ش ۱۴، ص ۳.  
 ۳۰. همان، ۴ جمادی الاول ۱۳۳۳، ش ۱۰۲، ص ۱.  
 ۳۱. نگاه کنیده به روزنامه ایران، ۲۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۸۰، ص ۲.  
 ۳۲. نگاه کنیده به روزنامه اقتصاد ایران، ۲۸ ذیقعدة ۱۳۴۰، ش ۵، ص ۲.  
 ۳۳. «نامه اتحادیه تجار اصفهان به حکمران اصفهان» ۱۱ ذیقعدة ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۳۳۶/۱۷/۱۳۳ (س.ا.م).  
 ۳۴. نگاه کنیده به روزنامه ایران، ۳ ذیقعدة ۱۳۳۵، ش ۱۱۵، ص ۲.  
 ۳۵. همان، ۸ ذیقعدة ۱۳۳۳، ش ۱۱۷، ص ۱.  
 ۳۶. «نامه اتحادیه تجار به حکمران اصفهان» ۱۱ ذیقعدة ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۳۳۶/۱۷/۱۳۳ (س.ا.م).  
 ۳۷. «نامه اتحادیه تجار به حکمران اصفهان» ۲۵ رمضان ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۳۳۶/۱۷/۱۳۳ (س.ا.م).  
 ۳۸. روزنامه رعد، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۳، ش ۹۲، ص ۳.  
 ۳۹. روزنامه ایران، ۲۷ محرم ۱۳۳۷، ش ۱۲۲، ص ۳.  
 ۴۰. همان، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۸۶، ص ۳.  
 ۴۱. «عرضه تلگرافی تجار فارس به وزارت داخله» ۱۳ رجب ۱۳۳۳، نمره ۲۴ (س.ا.م). نقل شده از: بیات، ایران و جنگ، ص ۱۲۵.  
 ۴۲. «عرض حال تجار تبریز به وزارت داخله» ۳ ذیحجه ۱۳۳۴، نمره ۳۶ (س.ا.م). نقل شده از همان جا، ص ۳۸.  
 ۴۳. «اعتراضنامه اهالی نهباننده نماینده خود در مجلس» سال ۱۳۳۲ هجری، وزارت کشور، (۸)، ۱۳۳۲/۴۹۰ (س.ا.م).  
 ۴۴. روزنامه رعد، ۵ صفر ۱۳۳۴، ۱۳ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۱۶۰، ص ۱.  
 ۴۵. «تلگراف تشکر اهالی قم از صاحب منصب زاندامری» حبل المتین، سال ۱۳۳۲، جمادی الثانی ۱۳۳۲/۱۸/۱۳۳۲، ص ۲، ص ۱۷.  
 ۴۶. «سواد الترام و قرارداد مابین عموم آقایان تجار و اهالی خوانسار» ربیع الاخر ۱۳۳۶، وزارت کشور، (۱)، ۱۳۳۶/۱۸/۱۳۳۲ (س.ا.م).  
 ۴۷. «تلگراف تجار انزلی به وزارت جنگ» سال ۱۳۳۶، ق. آلبوم ش ۵۳۴۶ (س.ا.م).  
 ۴۸. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنیده به:  
 «نامه وزارت مالیه به مدیر کل گمرکات» ۲ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت مالیه به وزارت داخله» ۹ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت داخله به کنیل حکومت گیلان» ۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت داخله به وزارت مالیه» ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به کارگزاران گیلان» ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به وزارت داخله» ۳۳ جمادی الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به وزارت داخله» ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۶، آلبوم ش ۵۳۴۰ (س.ا.م).  
 ۴۹. اسامی تجاری که به حق گمرک هر پوتی دو تومان از خشکیار صادره به روسیه اعتراض داشتند، از این قرار بود: حاج معین التجار بوشهری، حاج معین الممالک، حاج ربیع آقا تبریزی، رخایوف امین التجار، میرزا علی چلیچی، سیدمرضی حسینی، علی اکبر ابریشمی، این گروه از تجار، حتی اعتراض کردند که چرا باید به مال التجاره داخله، گمرک بیسته شود و هینس رئیس گمرک، برای رفع شکایات تجار، پیشنهاد پوتی یک تو مان داد. «نامه وزارت خارجه به وزارت مالیه» سال ۱۳۳۶، ق. وزارت مالیه، (۱۷)، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۵۰. «تلگراف تجار انزلی به گمرک تهران» سال ۱۳۳۶، ق. وزارت مالیه، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۵۱. «شکایت تجار شمال به منع صدور گمرک تیزی به روسیه» سال ۱۳۳۶، ق. وزارت مالیه، ۲ ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م). «نامه حاج معین الممالک رشتی و حاج ربیع آقا تبریزی به وزارت تجارت و فوائد عامه» بی تاله وزارت مالیه، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۵۲. «تلگراف تجار مشهدیه به وزارت مالیه» سال ۱۳۳۶، ق. وزارت مالیه، ۱۳۳۶/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۵۳. «اعتراض علمای ترکمن از تعدیات گمرک به تجار» سال ۱۳۳۵، ق. وزارت مالیه، ۱۳۳۵/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م).  
 ۵۴. اسامی تجار بوشهر، شیراز و اصفهان، که در مورد تغییر محل گمرک بوشهر اعتراض داشتند از این قرار بود: حاجی غلامعلی بهبهانی، حاج عبدالرحیم شیرازی، حاج محمد باقر دهدشتی، حاج میرزا احمد، سید جعفر کازرونی، سید مرتضی کازرونی، سید عباس کازرونی، محمد مهدی اصفهانی، میرزا خلیل شیرازی، محمد خلیل شیرازی، محمد شیرازی، اسدالله کازرونی، محمد باقر، عباسعلی و محمد حسین شیرازی، میرزا محمد تقی، محمد کازرونی، شیخ محمد کریم، محمد رحیم و میرزا محمود شیرازی. «اعتراضنامه تجار بوشهر به وزیر خارجه و وزیر تجارت» سال ۱۳۳۲، ق. ۱۳۳۲/۵۹۳۳۴۳۴۲۸ (س.ا.م). «اسامی تجار معترض به تغییر گمرک بوشهر» ۱



بی تا ۸۹۹۲۵ (س.م.ا)

- ۵۵ نامه وزارت مالیه به وزارت داخله «سال ۱۳۳۵ ق. وزارت کشور، ۱۹۹۴۶ (س.م.ا)
- ۵۶ گزارش وزارت امور خارجه «سال ۱۳۳۲ ق. وزارت کشور، ۱۲۵۳۳۵ (س.م.ا) گزارش وزارت مالیه از عراق «۱۲ شوال ۱۳۳۵، وزارت کشور، ۲۹۳۱۹۹۹۲۴ (س.م.ا)
- ۵۷ گزارش اداره مالیه «سال ۱۳۳۲ ق. وزارت کشور، ۱۲۵۳۳۳۱۱، ۱۲۵۳۳۳۱۷ (س.م.ا)
- ۵۸ برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به مسعودالدوله علامیه، «فقره قران» مجله علوم مالیه و اقتصاد، سال اول ۱۳۰۱ خورشیدی، ش ۴، ص ۳۶۵.
- ۵۹ روزنامه رعد، ۱۴ جمادی الثاني ۱۳۳۳، ش ۱۰۷، ص ۱؛ همان، ۱۱ ذیقعدة ۱۳۳۳، ش ۱۸۱، ص ۲.
- ۶۰ روزنامه ایران، ۲ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۲، ص ۱؛ روزنامه رعد، ۲۳ جمادی الثاني ۱۳۳۳، ش ۱۱۱، ص ۳.
- ۶۱ برای آگاهیهای بیشتر، نگاه کنید به: احمد علی سپهر (مورخ الدوله) ایران در جنگ بزرگ، تهران، بی تا ۱۳۳۶، ص ۲۷۸؛ سریر سی سلیکس، تاریخ ایران، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، زوار، ۱۳۳۰، ج ۲، ص ۶۳۶. میروشینکف، ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه د.دخانیاتی، تهران، فرزانه، ۱۳۵۷، چاپ دوم، ص ۴۸.
- ۶۲ برای آگاهیهای بیشتر از اغتشاش اموریولی و معاملات باسربازان روسی و عثمانی، نگاه کنید به روزنامه ایران، ۱۷ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۸، ص ۲؛ سپهر، ایران در جنگ، ص ۳۸۰؛ محمد تمدن، اوضاع در جنگ جهانی اول با تاریخ رضایه، رضایه، مؤسسه مطبوعاتی تمدن، ۱۳۵۰، ص ۳۰۶.
- ۶۳ نامه ایالت آذربایجان به وزارت داخله «۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۶، نمره ۸۳ (س.م.ا) نقل شده از بیات، ایران و جنگ، ص ۱۲۵.
- ۶۴ نامه حاج محمد حسین امین الضرب به هیئت وزراء «۱۴ ذیقعدة ۱۳۳۰، نخست وزیری، (ارج.) همچنین «اعلان هیئت وزراء» بی تا همان.
- ۶۵ نامه کمیسیون انتخابی به هیئت وزراء «۲۲ شوال ۱۳۳۰، نخست وزیری، (ارج.) همچنین نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۳.۱۳۳۴ ق.) (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۶۹.
- ۶۶ برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به منصوره اتحادیه، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰. ۱۵۴.
- ۶۷ هراشجعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، جدول شماره ۹.
- ۶۸ همان، جدول شماره ۱۱ و ۱۳.
- ۶۹ مذاکرات مجلس دوره سوم تقنینیه، ۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۲۵ ذیقعدة ۱۳۳۳، ص ۱۳۲.
- ۷۰ همان، ص ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵.
- ۷۱ همان، ص ۱۷۰، ۱۷۳.
- ۷۲ همان، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.
- ۷۳ همان، ص ۷۲.
- ۷۴ همان، ص ۷۷.
- ۷۵ «کتابچه قانون محاکم تجارت» دوم ربیع الاول ۱۳۳۴، (آریات)
- ۷۶ برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به اتحادیه، مجلس سوم، ص ۱۱۱. ۱۰۷.
- ۷۷ برای آگاهی بیشتر از قانون تشکیلات مالیه، نگاه کنید به مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، تهران، انتشارات مجلس، بی تا ص ۵۵۸. ۵۳۴ در مورد قانون پست نیز، نگاه کنید به همان، ص ۵۵۳. ۵۳۴.
- ۷۸ برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به روزنامه رعد، ۲۵ ذیقعدة ۱۳۳۲، ش ۲۴، ص ۱.
- ۷۹ نگاه کنید به مجموعه مصوبات مجلس، ص ۵۵۳. ۵۵۷. روزنامه رعد، ۹ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۴، ص ۲.
- ۸۰ برای آگاهیهای بیشتر در خصوص مالیات توتون و تباکو، نگاه کنید به مذاکرات مجلس سوم، ص ۳۶۵. ۳۵۷. همچنین مجموعه مصوبات مجلس، ص ۵۵۸. ۵۵۷. روزنامه رعد، ۱۳ جمادی الثاني ۱۳۳۳، ش ۱۰۶، ص ۲. همان، ۲۹ ذیقعدة ۱۳۳۲، ش ۱۲۰، ص ۱.
- ۸۱ مقایسه تعداد نمایندگان مالک و تاجر در جدول زیر، نشان داده شده است. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به شجعی، نمایندگان مجلس، ص ۸۰.

تعداد نمایندگان ملاک ۳۰

تعداد بازاریان (تاجر، اصناف) ۹

دوره سوم مجلس:

عده معلوم و کلا ۱۰۳

عده کل و کلا ۱۰۴

تعداد نمایندگان ملاک ۴۹

تعداد بازاریان (تاجر، اصناف) ۷

۸۲ مدرس، اشکال عمده این قانون را، تجمع اختیارات در یک فرد دانست. «یکی تشخیص آنچه

باید از مردم بگیرد. یکی دیگر وصول از همان مردم و دیگری خرج کردن همان چیزی که از

مردم گرفته می شد و اختیار این سه مطلب، به دست یک نفر بود.» نگاه کنید به مذاکرات

مجلس سوم، ص ۸۹. ۸۸.

۸۳ برای آگاهیهای بیشتر از مذاکرات نمایندگان، نگاه کنید به همان، ص ۴۳، ۵۳ و ۵۴

۸۴ همان، ص ۱۱۰.

۸۵ همان، ص ۱۳۳. ۱۳۴.

۸۶ نگاه کنید به امیر قلی امینی، «زندگی پرمجاری من» خاطرات وحید، ش ۴۱، ص ۴۵؛ امینی،

«یادبودی از کرمان و بلوچستان» همان، ش ۴۱، ص ۶۲



ملکروایه

۵۵ وزارت داخله ۵۵

تاریخ - ماه ۱۳۰ - حکومت اسفهان ۵۵

بسم الله الرحمن الرحیم  
 خلد بر باد که حضرت ائمه استخراجه علم از سر او جنگ حکمران امثال دست نواز  
 کیست که در کسیرین است که در آشوبه نجاتین یک بسیج هم کسین سدی نهند کرده بطریق اوجنا حضرت زین العابدین  
 در بارک نایب هدیه و این جانان در جنت و عز و شرف رسیده که کجا است و در این مری می چشم این کسیرین نواز بکنند با یک  
 با فدک که نظر است هدیه از عودا مجموع اجراء که در و دیوار بیکر هم کلا کسیرین را نفع کیم غیر از با یک عزیمت با حق  
 نمود با انجام رسیده در موافق و ایضا به پیوند تقسیم شده است این از حضرت زین العابدین که ۲۵۰۵ کیسه جنگوب است که از یوزلی  
 سوار و ۳۲۲ کیسه جنگوب در کارخانه علی سلطان جران و ۳۱۸ کیسه جنگوب در کارخانه جیسر و جیسر موجود است و هر یک  
 سلطان جران و در کارخانه طلب کار است چنانچه جنگوب در اخبار انصارست بجمال افتاده از حقوق بطلان را از آنجا تلب خود  
 از بیان بر زمین رسیده و فتنه از جنگوب هم قوم را که ۹۱۰ کیسه است فرد خنده از بغیر در مورد یک سبب طلب است در فتنه از این بعد که جنگوب  
 سوار جرد از حضرت زین العابدین هم روزی در بر جیسر جنگوب و تقریباً که از آنجا که جنگوب از زمین خارج نشود جنگوب  
 کلمات است غریب و از این است که هم از آنجا که جنگوب هم در فتنه حق تمام طلب است ایام نواخت و فتنه از دستم بود  
 جنگوب در زمین یکی از جنگوب است که از آنجا که جنگوب در فتنه از این جنگوب است



تلکرافت

۵۵ وزارت داخلہ ۵۵

تاریخ - ۱۳۰ ماہ - حکومت اسٹیشن

تاریخ ۲۱ نومبر ۱۹۱۰ء  
 حضور مبارک حضرت ایشیاء الحیاء اعلیٰ حضرت مدرسہ اہل حدیث  
 مبارک سے ایک خط آیا جس میں مذکور ہے کہ حضرت ایشیاء الحیاء  
 مبارک نے فرمایا ہے کہ میں نے اپنے ایک شاگرد کو بھیجا ہے کہ وہ  
 میری خدمت میں حاضر ہو کر ایک خط لکھ کر تم کو بھیجے۔  
 جس میں ہے کہ میں نے تم کو اپنا شاگرد بنا لیا ہے۔ تم کو  
 میری خدمت میں حاضر ہونا ہے۔ تم کو میری خدمت میں  
 حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے  
 کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔  
 تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری  
 خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں  
 حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے  
 کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔  
 تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری  
 خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں  
 حاضر ہونے کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے  
 کی اجازت ہے۔ تم کو میری خدمت میں حاضر ہونے کی اجازت ہے۔





وزارت جلیه دانخه  
حکومت اسفهان

انوار مهم کار خندان

نوم کتاب نیت
کلون
ذکر نموه های قبل
نسب

تاریخ نهم خلودر ۱۳۵۲

نیزت ضمیمه ایران در کتب سه از روزگار حکومت آید  
 مورد بحث است که در کتابهای تاریخ و جغرافیه  
 میفرمودند که در این کتاب در طبع کار بوده اما هرگز در  
 کتابهای تازه چون تاریخ ایران و دیگر کتب در دست  
 آید علی بن محمد در حدیث آن کتور می رسد علی بن  
 رقیب بن قاسم ایران و طبرستان که در آن کتاب  
 محمود دیبانی در آن کتاب آمده حکومت سمرقند در آن  
 دارنده که در آن موضع که در آن کتاب

مهم است که در این کتاب در تاریخ و جغرافیه  
 آمده که در این کتاب در تاریخ و جغرافیه  
 آمده که در این کتاب در تاریخ و جغرافیه  
 آمده که در این کتاب در تاریخ و جغرافیه



وزارت جلیه دانسه  
حکومت امدهات

نوم کتب بق ۲۰۳۷
کلون دو جبه
ذکر نوم های بقیل
نصب نام الکرکام

تاریخ ۹ شله جودا ۱۳۵۲

مستند

تجدید نوم کتابخانه

برپه نوم ۵۵ و ۵۶ راج نمون بق بقصد و بقدر بقصد  
برای ریکامی بق و حال بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق  
بروب بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق

نقد و نون خبر

بق بق بق ۱۳۴۵ راج بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق  
بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق  
بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق  
بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق  
بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق بق